

فرهنگ

هنرهای نمایشی ۱۴۰۱ در یک نگاه

سال پرحاشیه تئاتر



۱۰

رسانه

گفت‌وگوی «جام‌جم» با عادل بزوده

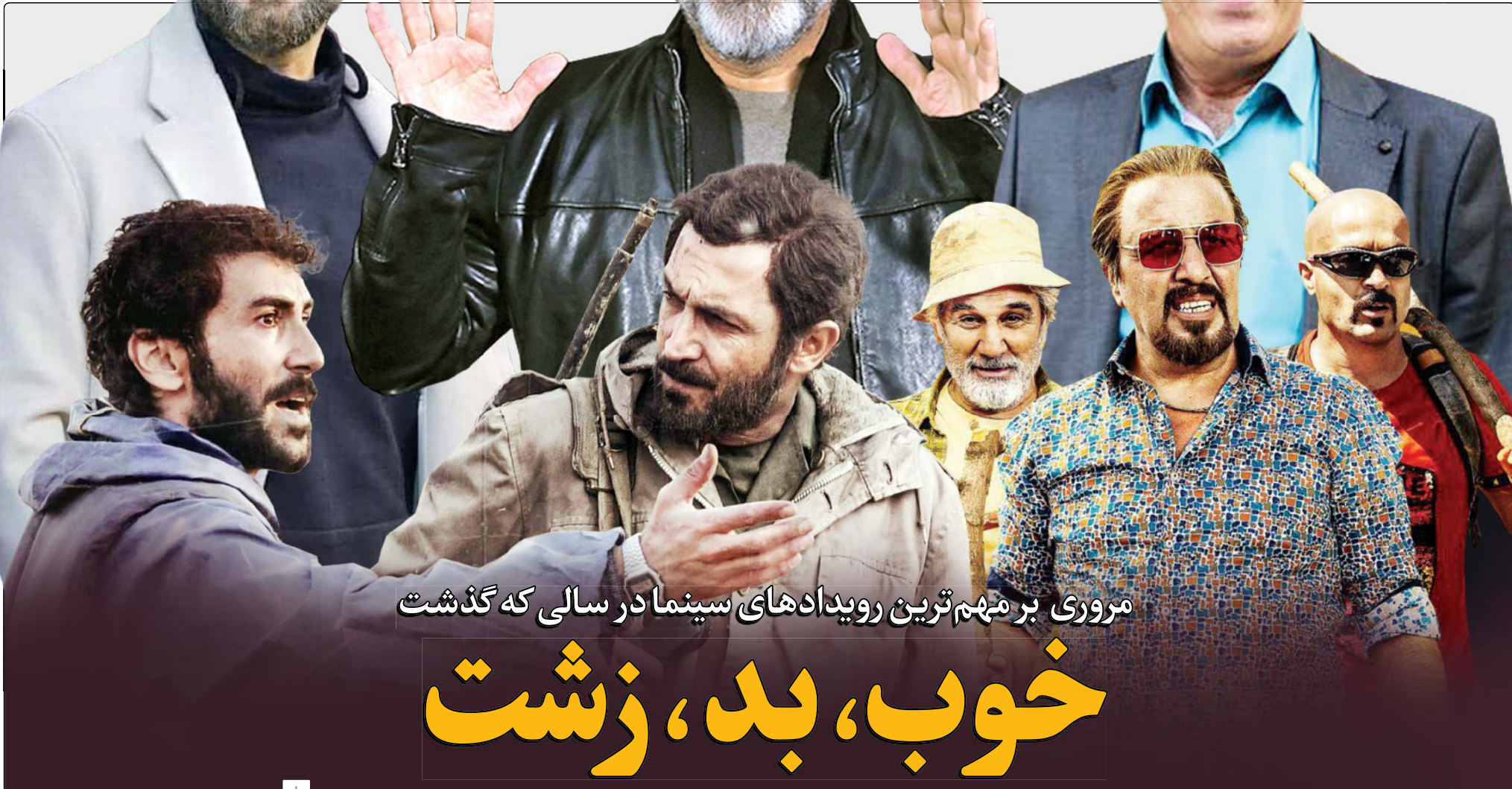
خالق عروسک‌های تلویزیونی

شهرت مان را مدیون

تلویزیون هستم



۷



مروری بر مهم‌ترین رویدادهای سینما در سالی که گذشت

خوب، بد، زشت

۸

بازخوانی ملی شدن صنعت نفت

محمد مصدق؛ آئینه یک رؤیا



فرهنگ

۱۱

«جام‌جم» از برنامه‌های قاب جادویی گزارش می‌دهد

نوروز ۱۴۰۲ با کارتون‌های تماشایی



رسانه

۶

یادداشت

سید مجتبی طباطبایی | نویسنده

دیدار با سفیران دهه ۶۰



تجربه را می‌توان در ردیف بزرگ‌ترین معلم انسان‌ها دانست. دهه اخیر در بین گونه‌های مختلف تاریخ شفاهی نگارش تجربه زیسته شاید در دسته بندی کتب معلمان قرار بگیرد. در این بین اگر بتوان کتابی یافت که هم رنگ و بوی نقاشی داشته باشد و هم ردی از خطاطی و صدای خوش سرود در آن پیدا شود حتما در لابه‌لای صفحاتش انسان‌هایی تنفس می‌کنند که آنها را مریدان پرورش می‌نامند.

در هفته‌های اخیر کتاب «با سفیران دهه ۶۰» به دستم رسید، وارد زیست انسان‌هایی شد که در میان صدای گلوله و توپ به دنبال تربیت می‌گشتند. رنگ پایان کتاب همان طوری که پیشتر تیر شد، فضای بی‌پایایی است. انگار کتاب را در رنگ کلاس تربیت‌شان رانا جبهه‌ها ادامه می‌دادند. شعله جهانگیری، نویسنده کتاب به دنبال سوزهای رفته که پیشتر آن در کتاب‌هایی مثل «مربای گل محمدی»، «پریا» و ... دیده‌ام. سوزهایی که هر قدر از آنها می‌گویم و می‌نویسم باز هم انگار حرف ناگفته‌ای در سینه دارند که می‌تواند ساعت‌ها از آن سخن بگویند.

خواننده شد از من خواستند آن را در هفته معلم برای معلم‌های کل شهرستان در دانشگاه ابوریحان پاکدشت اجرا کنیم. بعد هم بچه‌ها را تشویق کردند. به خودم گفتم: نکند این بچه‌ها را از روستا بزم آنجا و سرود را خراب کنند!...

این سفیران تربیت در دهه‌های پیشین را از هر طرف نگاه می‌کنی طرحی از دغدغه و تلاش دارند. البته لازمه تحلیل هر طرفی، ابتدا بررسی مظهر آن است. فعالیت منافقان و تبلیغات مستمری که در مدارس داشتند یک جبهه منسجم برای ایجاد می‌کنند. دهه ۶۰ اولین سال‌های بعد از پیروزی انقلاب است و بین معلمان و مربیانی که با فاصله‌ای کوتاه بعد از انقلاب وارد فضای جنگ می‌شوند یک وحدت رویه ایجاد می‌کند. البته آنچه از آن زمان به یادگار مانده، نوع نگاه به آموزش است. در بخش‌هایی از کتاب می‌خوانیم که برخی معلمان و کادر آموزشی بر حسب جنس کار مربیان آنها را بدون فعالیت می‌دانند یا به طعنه به آنها «چای خور» هم می‌گفتند! آنچه جای فعالیت‌های این مربیان در مدارس را شیرین می‌کند «شهدای دانش‌آموز» و «شهدای آمورتربیتی» است. در خاطرات مربیان می‌خوانیم که در ایام جنگ برای افزایش روحیه رزمندگان، گروه‌های سرود و تئاتر مدارس را به مناطق عملیاتی می‌بردند و دانش‌آموزان در سنگر‌ها به اجزای پرداختند. حاصل آن فعالیت‌ها درخواست دانش‌آموزان برای اعزام به مناطق عملیاتی و حضور خود مربیان به عنوان رزمنده بود. آنجایی که بذر محبت در تربیت را در می‌کردند و ما حاصل تربیت خود را بر حسب شهادت می‌زدند.

از ترمیم فضای آن روز باید به بررسی امروز برسیم. حوادث اخیر در مدارس و فضای غیرالوادی که در جامعه تحققت پیدا کرد، این مهم را بیش از پیش برای آحاد جامعه روشن کرد که آموزش به تنهایی کارساز نیست و نیاز جدی به جاماندن‌ها به نام آمورتربیتی را روشن کرد. می‌توان با یک آموزش با کیفیت یک دانشمند به جامعه تحویل داد. با یک تربیت غلط دانشمندی می‌شود که ویروس تولید می‌کند، با یک تربیت درست دست به تولید واکسن می‌زند. انگار ردیاب منافقین دهه ۶۰ را بهتر می‌توان امروز در کلاس‌های درس و در حیاط مدارس دید. این تهدید می‌تواند فرصت مناسبی برای ایجاد یک وحدت رویه باشد. امروز بیشتر نیاز به حضور اهالی آمورتربیتی در مدارس احساس می‌شود.

بعد از قانون احیای معاونت پرورشی هنوز با آنچه مطلوب قانون تصویب شده، فاصله داریم. برخی از مسیر احیا را باید در اصلاحات ساختاری جست‌وجو کرد اما آنچه به نظر نگارنده می‌تواند کمک‌حال حرکت کند احیای معاونت پرورشی باشد. آگاه‌سازی و مطالبه اولیاست. آنچه امروز خواست اصلی آنهاست، موضوع آموزش است. در تحلیل این نوع نگاه باید یک نگاه تبارشناسانه داشت که موضوع این نوشتار نیست. برای مطالبه‌گری اولیا در آمورتربیتی ابتدا «نیاز» را باید در آنها ایجاد کرد. اولیای دانش‌آموزان نیاز به یادگیری الفبا، ریاضیات و ... را برای فرزندان‌شان می‌دانند و درصدد رفع آن هستند اما چقدر برای امور مربوط به تربیت فرزندان‌شان که در سنده‌های بنیادین آمده است، احساس نیاز می‌کنند؟ به موضوع نوشتار برگردیم. انتشار کتاب‌هایی که خاطرات مربیان آمورتربیتی را روایت می‌کند مثل «مربای گل محمدی» برای مربیان آذربایجان باشد چه همانند «با سفیران دهه ۶۰» به جنوب استان تهران بپردازد برای نسل امروز مربیان مفید فایده است. همانند صحبت‌های یوسف تات که سراسر سرزندگی بود و امید. یادم است که می‌گفت با این که چند سال است بازتخته شده اگر باز هم بخواهند حاضر است ساعتی را به تدریس و حضور در مدرسه بگذرانند. با این که از هر یک از مربیان چند صفحه روایت شده اما هر کدام یک جلد مجزا هستند که نیاز است به تجربه نگاری و نگارش روایت‌های‌شان. برای حسن ختام این یادداشت سرقت پست جلد کتاب می‌روم. جایی که شاید تعریف کوتاهی از مربیان پرورشی را بتوان پیدا کرد: «اگر یک نفر وقت کلاس، معلم باشد، رنگ تفریح، دوست، وقت نماز، امام جماعت، بعد از مدرسه، برادر، روزهای تعطیل، کارگردان نمایش، مربی سرود، شب‌ها، هم مسجدی، هم با یگانگی و هنگام نواخته شدن شیور جنگ، رزمنده... جانبا... شهید... تو اسمش را چه می‌گازی؟ دهه‌های صحنی‌ها اسمش را گذاشتند: مربی پرورشی»

چهره‌هایی که از دنیای رسانه رخت بر بستند

جای خالی تجربه‌های کارآمد



یادکردن از درگذشتگان یکی از سنت‌های حسنه‌نوروز محسوب می‌شود. سال ۱۴۰۱، سالی سخت برای رسانه بود و در این سال، چهره‌های تاثیرگذاری از دنیای رسانه کوچ کردند و دیگر بین ما نیستند. در آخرین روزهای سال ۱۴۰۱ با مروری بر نام و یاد رفتگان این سال، برایشان از درگاه خدا رحمت و مغفرت آرزو می‌کنیم.

حسین عبداللهی، مدیرمسئول و سردبیر روزنامه «آرمان ملی» نهم فروردین بر اثر سکته قلبی درگذشت. مرحوم عبداللهی متولد سال ۱۳۵۰ بود و در دهه ۷۰ فعالیت مطبوعاتی خود را با حضور در نشریات مختلف آغاز کرد. همچنین بیست... خندان، روزنامه‌نگار قدیمی و صاحب‌کسوت در عرصه اخبار و گزارش‌های فوتبال ایران و استقلال ۱۸ فروردین جان به جان آفرین تسلیم کرد.

عکاس لحظه‌های خاص
بابک برزویه، هنرمند عکاس در حوزه عکاسی مطبوعاتی و سینما شنبه ۲۵ مرداد از دنیا رفت.

بابک برزویه از عکاسانی است که نه تنها در حوزه سینما بلکه در حوزه عکاسی مطبوعاتی و همکاری با رسانه‌های مختلف از جمله خبرگزاری‌ها کارنامه‌های پرکاری داشت.

از دستمال سرخ‌ها تا یار همیشگی امام
مریم کاظم‌زاده، روزنامه‌نگار و عکاس با سابقه جنگ، سوم خرداد در ۶۶ سالگی بر اثر عوارض ابتلا به سرطان درگذشت.

کاظم‌زاده همسر شهید اصغر وصالی فرمانده «دستمال سرخ‌ها» بود. او همچنین اولین عکاس زن جنگ بود که در ۵۹ هجری به مناطق جنگی رفت و خاطرات بسیاری از حضور رزمندگان و فرماندهان در مناطق جنگی ثبت کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد محمود دعایی، سرپرست مؤسسه اطلاعات و نماینده شش دوره مجلس شورای اسلامی از مهم‌ترین چهره‌های رسانه‌ای بود که ۱۵ خرداد ۱۴۰۱ در ۸۱ سالگی به دیار باقی شافت. مرحوم دعایی که یکی از همراهان و نزدیکان امام خمینی (ره) در دوران اقامت ایشان در شهر نجف بود، سابقه سفارت ایران در بغداد بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸ و مقطع پیش از آغاز جنگ تحمیلی را هم در کارنامه خود داشت. وی در سال ۱۳۹۳ نشان افتخار جهادگر عرصه فرهنگ و هنر را کسب کرد.

محسن میرزایی، روزنامه‌نگار و تاریخ‌نگار مطبوعاتی، ۲۲ خرداد در ۹۰ سالگی چشم از جهان فرو بست. محسن میرزایی، روزنامه‌نگار و تاریخ‌نگار ایرانی در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی در زنجان به دنیا آمد. وی از دانش‌آموزان اولین دوره روزنامه‌نگاری در سال ۱۳۳۵ بود که در همان سال از دانشسرای عالی موفق به اخذ مدرک لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی نیز شد.

محسن جعفری‌راد نویسنده و منتقد جوان یکشنبه ۱۸ دی‌ماه در منزلش در کرج از دنیا رفت. عمده فعالیت او در مجله فیلم امروز بود.

دافی بردل خبرنگاران هنری
سیدابوالحسن مختاباد، نویسنده، منتقد، پژوهشگر موسیقی و روزنامه‌نگار ایرانی ۳ بهمن در سن ۵۲ سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت. مختاباد از روزنامه‌نگاران قدیمی بود که در سال‌های اخیر به آمریکا مهاجرت کرده بود. مختاباد در سال ۱۳۷۲ فعالیت روزنامه‌نگاری خود را آغاز کرد و عمدتاً در حوزه فرهنگی مشغول به کار بود. او سال ۱۳۷۳ به روزنامه همشهری رفت و تا پایان فعالیت خود در این رسانه ماند، همزمان نیز با نشریات فرهنگی و ... نیز فعالیت می‌کرد. حوزه تخصصی مختاباد موسیقی بود.

نیره مجیدی‌راد، مترجم و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی هم بعد از تحمل دوره‌ای بیماری، شامگاه یکشنبه (۱۶ بهمن) دنیای فانی را وداع گفت. وی که از سال ۱۳۸۵ به خانواده‌ای ایرانی پیوسته بود در گروه‌های فعالیت خبری به عنوان مترجم و خبرنگار بخش بین‌الملل با این همکاری می‌کرد. داود میرالماسی، سردبیر سابق گروه ورزشی ایرنا و از خبرنگاران قدیمی ورزشی کشور بر اثر ایست قلبی در ۷۵ سالگی دارفانی را وداع گفت. آن مرحوم که عمری را در صحنه ورزش و انتشار اخبار و گزارش‌های ورزشی گذرانده بود در مقطعی با سرویس ورزشی روزنامه اطلاعات هم همکاری داشت. میرالماسی از خبرنگاران ورزشی پربافت ورزش کشور چند صباحی در بستر بیماری بود.

صاحب‌نظران رسانه‌ای و سیاسی کشور
شبان شهید سید محمد مؤذنب، از مدیران و صاحب‌نظران رسانه‌ای و سیاسی کشور، ۷ دی‌ماه در سن ۷۰ سالگی در پاریس درگذشت. شهیدی مودب از دانشگاه سوربن فرانسه مهندسی برق داشت اما با اوجگیری انقلاب اسلامی به نوفل‌لوشاتو رفت و با امام خمینی به ایران بازگشت. او مدتی سردبیر کیهان انگلیسی بود، سپس معاون برون‌مرزی صداوسیما و بعد استاد دانشگاه شهید بهشتی شد.